

# کرمِ گرسنه

نویسنده: اریک کارل

مترجم: سیاوش ملکی



تقديم به

بچه های گل ایران  
به ویژه  
بچه های خوزستان

سیاوش ملکی



زیر نور ماه  
روی یه برگ  
یه تخم خیلی کوچیک  
گذاشته شده بود







یه روز  
یه روز یکشنبه  
خورشید از پشت کوه اومد بالا  
با یه عالمه گرما  
و یهویی - بوم  
یه کرم کوچولو که خیلی گشنه ش بود از توی تخم اومد بیرون









کرم کوچولوی گرسنه  
دنبال خوراکی شد رَوونه



فردای اون روز  
یعنی روز دوشنبه  
کرم کوچولو  
یه سیب رو سوراخ کرد و  
از توی سیب  
هی خورد و خورد و خورد  
ولی هنوزم گشنه مونده بود  
انگاری که سیبه  
سیرش نکرده بود





کرم کوچولو

فردای روز دوشنبه

که میشد سه شنبه

دوتا گلابی رو سوراخ کرد و تا اون سر  
خوردشون یه سر  
اما باز گرسنه بود  
گلایا سیرش نکرده بود



روز بعد یعنی چارشنبه  
کرم کوچولوی خیلی گرسنه  
سه تا آلو خورد  
دونه به دونه  
طفلکی هنوز گرسنه بود  
آلوها هم سیرش نکرده بود



فرداش که میشد پنجشنبه  
بدون اینکه بشه قرمز و رنگی  
کرم کوچولو خورد چارتا توت فرنگی  
بازم ولی گرسنه بود  
توت فرنگیام سیرش نکرده بود



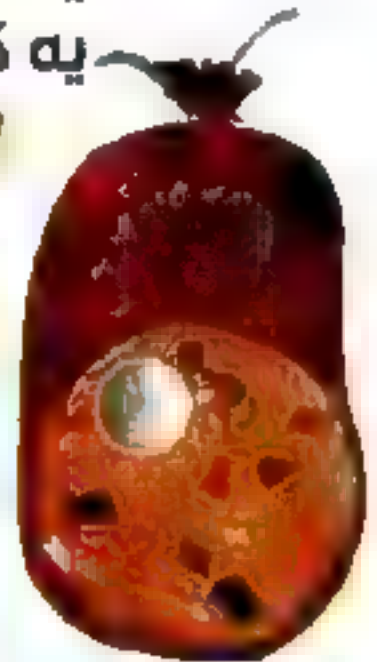




پنجشنبه رفت  
شد روز جمعه  
کرم کوچولو هم سوراخ کرد و توی پنج تا پرتقال رو خورد  
که گشنه نمونه  
مثل روزای قبل  
بازم گرسنه بود  
پرتقالام سیرش نکرده بود

فردا که شد  
روز شنبه بود  
کرم کوچولو که همش گشنه بود و  
شکمش صدا میداد قاررر و قوررر

یه تیکه کیک سوراخ کرد و خورد با یه خیار شور، یه تیکه کالباس  
یه کمی پنیر





اون روز یه بند و یه ضرب خورد و خورد و خورد  
تا خود شب

آبنبات چوبی، یه دونه شیرینی، سوسیس و یه کیک دیگه با هندونه  
همونایی که تو نقاشی میشه ببینی



واسه همینم آخرای شب دل درد گرفت





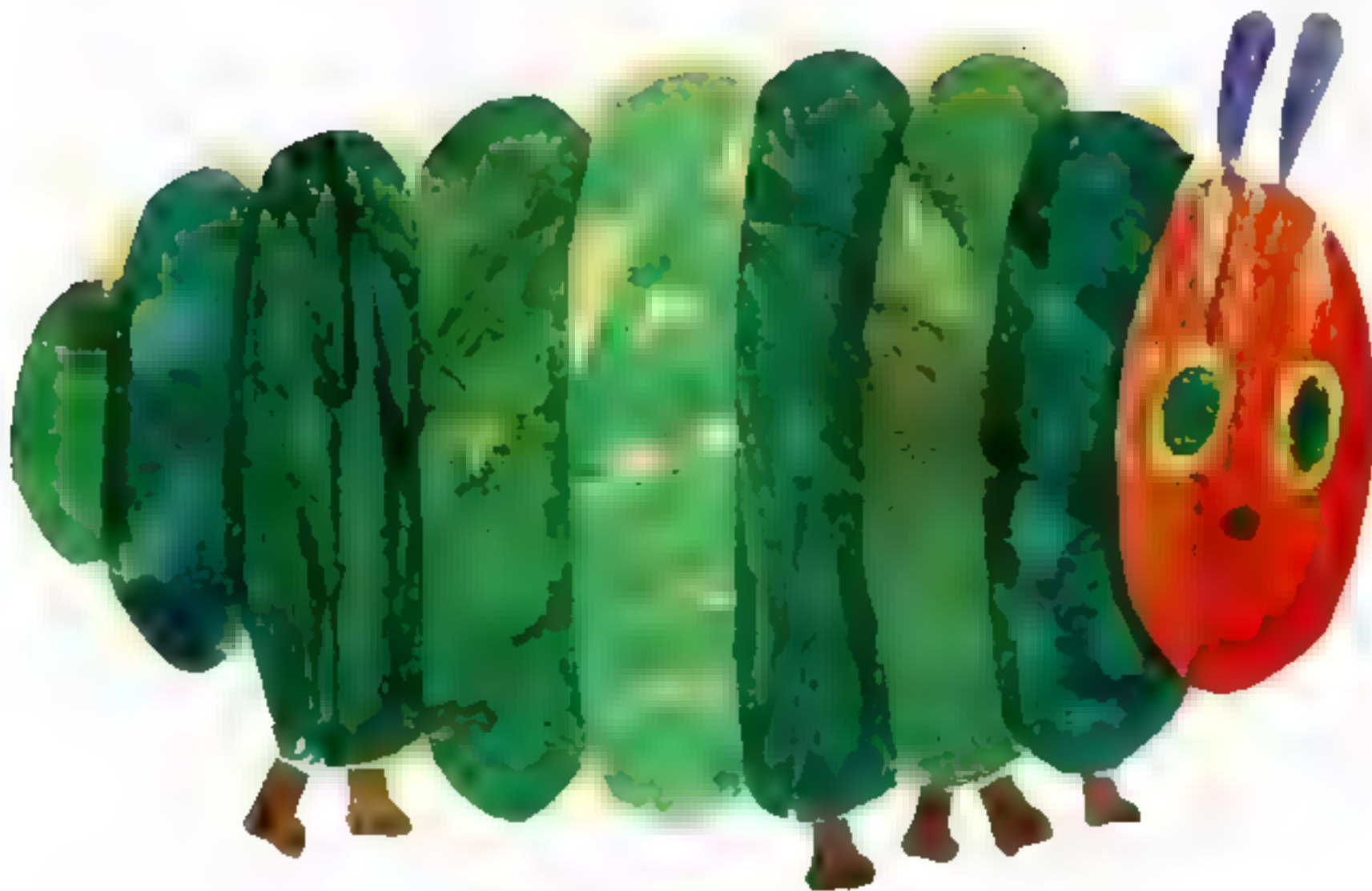
فرداش بازم یکشنبه بود  
اون روز خورد یک برگ خوشمزه  
حالشو خوب کرد اون برگ تازه  
هم تر و تازه بود هم خوش اندازه  
حس خوبی داشت کرم کوچولو  
دیگه گرسنه نبود  
همون یه دونه برگ سیرش کرده بود



حالا ديگه يه کرم کوچولو هم نبود

خيلي بزرگ و گُل بود

ديگه يه کرم چاق و تپُل بود



کرم داستان ما  
دور خودش یه خونه ساخت، برای خودش یه لونه ساخت  
به این خونه میگن

پيله



کرم ما دو هفته توی پيله اش موند  
دو هفته م بیشتر توی اون خونه  
موند و نیومد بیرون از اون آشیونه  
و بعد از اون



پيله رو جويد و سوراخش کرد  
یه در ساخت و خونه رو خرابش کرد

کرم ما که اومد بیرون  
دیگه اون کرم شکمو نبود  
پَر خوردن کیک و هندوانه نبود

آخه اون دیگه یه پروانه بود  
اون یه پروانه خوشگل و خوشرنگ  
یه پروانه خوش آب و رنگ  
شده بود









ترجمه و نشر الکترونیکی: خبرنامه کتاب های رایگان فارسی  
<https://persianbooks2.blogspot.com/>  
بازنشر این کتاب بدون تغییر در محتویات آن، مجاز است